



The Evaluation of economic justice in the framework of general policies of resistive Economy

Vahid Shaghghi Shahri

Assistant Professor, Department of Economics and Islamic Banking, Faculty of Economics, Kharazmi University, Tehran, Iran.

v.shaghghi@khu.ac.ir

0000-0002-3578-5229

MohammadHossein Karim

Professor, Department of Resource and Energy Economics, Faculty of Economics, Kharazmi University, Tehran, Iran.

karimsistani482@gmail.com

0000-0002-7114-8702

Shiva Alizadeh

PhD in Economics, Faculty of Management and Economics, Lorestan University, Lorestan, Iran (Corresponding author).

alizade.2015@yahoo.com

0000-0002-0605-9244

Abstract

Achieving economic justice is a key objectives in the economic resistive policies, Further the goals, strategies & implementing policies are indicated in articles 1,4,5 and 19 of the mentioned policies explicitly. The present paper aimed to achieving the economic justice based on the macro-objectives, critical success factors & key performance indicators, conceptual modeling of economic justice upon an approach of policies of the resistive economy and efforts have been concentrated for strategic evaluation. The research findings reveals economic justice objectives in the mentioned policies have not been achieved. Furthermore, assessing of KPI shows the implementing strategies for achieving to the goals have not had the effective consequences. The paper results .he third place and factors related to the implementation context ranked fourth with a weighted factor of 0.121. According to the results of the research, in order to institutionalize the policy of work conscience in the country's administrative system, managers should focus on the factors identified in this research.

Keywords: Resistive Economy, Economic Justice, Conceptual Model, Critical Success Factors, Key Performance Indicators.

JEL Classification: D63, I24, E60, H75, L33

Use your device to scan
and read the article online



Citation: Shaghghi Shahri, V.; Karim, M. H. & Alizadeh, S. (2023). The Evaluation of economic justice in the framework of general policies of resistive Economy. *Quarterly Journal of The Macro and Strategic Policies*, 11(3), 609-636.
<https://doi.org/10.30507/JMSP.2023.342728.2426>

E-ISSN: 2345-2552 / Center for Strategic Research / Quarterly Journal of The Macro and Strategic Policies

Quarterly Journal of The Macro and Strategic Policies is licensed under a Creative Commons Attribution-NonCommercial 4.0 International License.



20.1001.1.23452544.1402.11.43.6.6

10.30507/JMSP.2023.342728.2426

□ **Corresponding Author:** Shiva Alizadeh, **Address:** Faculty of Economics and Management, Lorestan University, **Tel:** +98(916)8899855



پروشکاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی
پرتال جامع علوم انسانی

ارزیابی تحقق عدالت اقتصادی در چهارچوب سیاست‌های کلی اقتصاد مقاومتی

وحید شقاقی شهری

استادیار گروه اقتصاد و بانکداری اسلامی، دانشکده اقتصاد، دانشگاه خوارزمی، تهران، ایران.
v.shaghghi@khu.ac.ir

ORCID: 0000-0002-3578-5229

محمدحسین کریم

استاد گروه اقتصاد منابع و انرژی، دانشکده اقتصاد، دانشگاه خوارزمی، تهران، ایران.
karimsistani482gmail.com

ORCID: 0000-0002-7114-8702

شیوا علیزاده

دکتری رشته اقتصاد، دانشکده مدیریت و اقتصاد، دانشگاه لرستان، لرستان، ایران (نویسنده مسئول).
alizade.2015@yahoo.com

ORCID: 0000-0002-0605-9244

چکیده

یکی از اهداف کلیدی در سیاست‌های کلی اقتصاد مقاومتی، عدالت‌بنیانی اقتصاد است به‌طوری‌که در سیاست‌های اول، چهارم، پنجم و نوزدهم اقتصاد مقاومتی به‌صورت صریح به اهداف، راهبردها و سیاست‌های اجرایی تحقق عدالت اشاره شده است. در مقاله حاضر با طراحی الگوی مفهومی عدالت اقتصادی مبتنی بر ادبیات سیاست‌های کلی اقتصاد مقاومتی سعی شد ارزیابی راهبردی از میزان تحقق عدالت اقتصادی برپایه اهداف کلان، عوامل حیاتی موفقیت و شاخص‌های کلیدی عملکردی به‌عمل آید. نتایج مقاله نشان می‌دهد: اولاً، اهداف عدالت‌بنیانی مصرح در اقتصاد مقاومتی محقق نشده است. ثانیاً، ارزیابی شاخص‌های کلیدی عملکردی عدالت‌بنیانی اقتصاد متناسب با عوامل حیاتی موفقیت حکایت از این دارند که راهبردهای مدنظر سیاست‌های کلی اقتصاد مقاومتی برای تحقق عدالت اقتصادی اجرا نشده یا اینکه در اجرا نتایج موفقیت‌آمیز نداشته است.

کلیدواژه‌ها: اقتصاد مقاومتی، عدالت اقتصادی، الگوی مفهومی، عوامل حیاتی موفقیت، شاخص‌های کلیدی عملکردی.

طبقه‌بندی JEL: D63, I24, E60, H75, L33

شپای الکترونیک: ۲۳۴۵-۲۵۵۲ / پژوهشکده تحقیقات راهبردی / فصلنامه سیاست‌های راهبردی و کلان



20.1001.1.23452544.1402.11.43.6.6

doi: 10.30507/JMSP.2023.342728.2426

* نویسنده مسئول: شیوا علیزاده، نشانی: دانشکده اقتصاد و مدیریت، دانشگاه لرستان، تلفن: ۹۸(۹۱۶)۸۸۹۸۵۵

مقدمه و بیان مسئله

در مقدمه سیاست‌های کلی اقتصاد مقاومتی تأکید شده که این الگو به دنبال تحقق اقتصادی عدالت‌بنیان است. برای این منظور در بندهای اول، چهارم، پنجم و نوزدهم سیاست‌های کلی اقتصاد مقاومتی به انحای مختلف به بحث عدالت اقتصادی تأکید شده است. در بند اول سیاست‌های کلی اقتصاد مقاومتی بر ارتقاء درآمد و نقش طبقات کم‌درآمد و متوسط اشاره شده است. در بند چهارم به استفاده از ظرفیت اجرای هدفمندسازی یارانه‌ها در جهت ارتقاء شاخص‌های عدالت اجتماعی پرداخته شده است. در بند پنجم به سهم‌بری عادلانه عوامل در زنجیره تولید تا مصرف متناسب با نقش آنها در ایجاد ارزش به‌ویژه با افزایش سهم سرمایه انسانی و در بند نوزدهم سیاست‌ها هم بحث شفاف‌سازی اقتصاد و سالم‌سازی آن و جلوگیری از اقدام‌ها، فعالیت‌ها و زمینه‌های فسادزا در حوزه‌های پولی، تجاری، ارزی آورده شده است.

نظر به اینکه در سیاست‌های کلی اقتصاد مقاومتی، در کنار رویکردهای درون‌زایی، برون‌گرایی، مردمی‌سازی و دانش‌بنیانی اقتصاد، تحقق عدالت اقتصادی جزو اولویت‌ها و اهداف بنیادین این سیاست‌ها عنوان شده است، از این رو مقاله حاضر در نظر دارد ضمن مروری بر مبانی نظری و رویکردهای مختلف عدالت، با ساخت الگوی مفهومی عدالت اقتصادی برپایه مبانی سیاست‌های کلی اقتصاد مقاومتی، به ارزیابی راهبردی و بررسی میزان تحقق عدالت اقتصادی پس از ابلاغ سیاست‌های کلی اقتصاد مقاومتی در کشور از دو منظر تحقق اهداف کلان و میزان اجرای راهبردها و سیاست‌های اجرایی بپردازد. در واقع طبق طراحی الگوی مفهومی عدالت اقتصادی از منظر اقتصاد مقاومتی تلاش خواهد شد ارزیابی هم از منظر تحقق اهداف کلان عدالت اقتصادی و هم از منظر میزان اجرای راهبردها و سیاست‌های اجرایی عدالت اقتصادی برپایه شاخص‌های کلیدی عملکردی صورت پذیرد. چنین ارزیابی امکان احصاء و تشخیص نقاط ضعف و قوت را در تحقق عدالت اقتصادی در چهارچوب سیاست‌های کلی اقتصاد مقاومتی فراهم می‌سازد.

برای این منظور ساختار مقاله بدین صورت می‌باشد. بعد از مقدمه، مروری بر مبانی نظری و الگوی مفهومی عدالت اقتصادی مبتنی بر ادبیات سیاست‌های کلی اقتصاد مقاومتی خواهد شد. سپس مطالعات داخلی و خارجی انجام گرفته در حوزه معیارهای سنجش عدالت اقتصادی آورده خواهد شد. در ادامه مطابق مبانی نظری و الگوی مفهومی طراحی شده، ارزیابی راهبردی از میزان تحقق عدالت اقتصادی برپایه

الگوی مثلثی مبتنی بر سه مبحث اهداف کلان، راهبردها و سیاست‌های اجرایی (عوامل حیاتی موفقیت (CSF) و شاخص‌های کلیدی عملکردی (KPI) صورت گرفته و در نهایت نیز جمع‌بندی مقاله به همراه پیشنهادهای اجرایی و سیاستی ارائه خواهد شد.

۱. مبانی نظری و الگوی مفهومی عدالت اقتصادی مبتنی بر چهارچوب سیاست‌های کلی اقتصاد مقاومتی

۱-۱. رویکردها و ادبیات نظری متعارف عدالت

عدالت اقتصادی یکی از مسائل حیاتی جامعه بشری و در سطح مباحث نظری از گذشته دور تاکنون مورد توجه ویژه فیلسوفان و اندیشه‌ورزان اقتصادی بوده است. عدالت مفهومی کلی است که برداشت‌های متفاوتی در خصوص آن وجود دارد. دست نامریی آدام اسمیت و عدم دخالت دولت و نظریه‌های اقتصاد رفاه در اقتصاد آزاد و الغای مالکیت خصوصی ابزار تولید (سرمایه) در اندیشه سوسیالیسم همواره بیانگر دغدغه متفکران اقتصادی درباره عدالت اقتصادی است. بین فیلسوفان یونان، افلاطون و ارسطو درباره مسائل اساسی جامعه همانند حکومت و اقتصاد اظهار نظر کرده و دارای نظریه منسجم هستند. از دید افلاطون (۴۲۷ تا ۳۴۷ ق.م.)، عدالت در جامعه یعنی هر کس و هر طبقه‌ای در جایگاه مناسب خود قرار گیرد. مردم در هر جامعه‌ای به سه طبقه عوام، سرباز و فرمانروا تقسیم می‌شوند. عدالت هنگامی برپا خواهد شد که هر کس در هر طبقه‌ای که قرار دارد، به کار خود مشغول باشد و پا از گلیم خود بیرون نکند. ارسطو (۳۶۴ تا ۳۲۲ ق.م.) عدالت را با مفهوم برابری و میانه‌روی تعریف می‌کند. وی عدالت را یکی از فضایل چهارگانه (حکمت، شجاعت، خویشتن‌داری و عدالت) دانسته و رعایت قانون را مبنا و مظهر عدالت می‌داند، اما به‌نوعی خاص از عدالت یعنی انصاف باور دارد. انصاف وظیفه‌اش تصحیح قانون است (Akhwan, 2017). پس از ارسطو تا قرون وسطا نیز اندیشه عدالت به‌عنوان فضیلتی که در تناسب و اجزا است، همچنان مورد توجه بوده است. در اندیشه سیاسی رم قانون طبیعی مبنای قانون عادلانه تلقی شد. بر اساس این فلسفه چون افراد بشر به

۱ Objectives

۲ Critical success factor

۳ Key Performance indicator

یک میزان از عقل بهره‌مند هستند به یک میزان هم به قانون طبیعی دسترسی دارند. بر همین اساس در رم مفهوم قانون شامل حال همه مردمان پدیدار شد. در تعاریف عدالت، مفهوم نفع مشترک هم لحاظ گردید. به‌همین دلیل سیسرون^۱ در تعریف عدالت می‌نویسد: باید به هر کس آنچه سزاوار است داد مشروط بر اینکه به منافع عمومی زیان نرسد. اگوستین (۴۳۰-۳۵۸م) عدالت را سامان‌دهی درست همه چیز بر مبنای عقل تعریف می‌کند (Taheri, 2010). توماس هایزر (۱۶۷۹-۱۵۸۸م) در آستانه عصر مدرنیته عدالت را مترادف پایبندی انسان‌ها به قراردادهای تعبیر می‌کند. کارل مارکس (۱۸۸۳-۱۸۱۸م) هم عدالت را به‌معنای کار به‌قدر توان و بهره‌برداری به قدر نیاز تعبیر می‌کند. عدالت در اندیشه مارکسیستی به‌معنای تساوی و مساوات است بدون در نظر گرفتن تفاوت‌ها. از دید مارکس برای دستیابی به عدالت و توزیع عادلانه ثروت، مالکیت فردی نفی می‌شود.

همچنین از نظر رالز^۲ دانستن عدالت یا بی‌عدالتی نهادهای جامعه مهم است. محور اصلی بحث رالز، عدالت توزیعی در ساختارهای اساسی جامعه است و عدالت، ابزاری جهت رسیدن به ثبات و همکاری سیاسی به‌شمار می‌رود. غایت نظریه عدالت رالز برابری کامل نیست، هر چند بسیاری منتقدان وی را مساوات‌طلب نامیده‌اند. تأکید رالز بر عدالت سازگار کردن آزادی‌مداری با اولویت دادن به محروم‌ترین گروه‌ها می‌باشد. ژان ژاک روسو، هیوم و کانت هم عدالت را در چهارچوب قرارداد اجتماعی تعریف کرده‌اند (Gurvitch, 1972, p. 510). همچنین از منظر بن‌تام عدالت زمانی محقق می‌شود که بیشترین افراد از بیشترین مطلوبیت و رفاه برخوردار باشند. جان استوارت میل و بن‌تام در تبیین نظریه مطلوبیت‌گرایی، توزیعی را عادلانه می‌دانند که ثروت کل جامعه را افزایش دهد. بامول (۱۹۸۲) و واریان (۱۹۷۴) نیز وضعیت را عادلانه دانسته‌اند که خالی از رشک و حسادت باشد به‌این‌معنا که هیچ فردی ترجیح ندهد که سبد اشیای دیگری مال او باشد. اسکاتلر (۱۹۸۵) در نظریه خود بهترین وضعیت عادلانه را وضعیت تخصیص خالی از سرزنش تعریف کرده است (عیوضلو، ۱۳۷۹). همچنین نظریه‌پردازانی مانند: لاک (۱۶۸۹)، نوزیک (۱۹۷۴)، داورکین^۳ (۱۹۸۹)، رومر^۴ (۱۹۸۲)، فلربای (۱۹۹۵) بیش از همه به ویژگی برابری همگانی

^۱Cicero

^۲John Rawls

^۳Dowerkin

^۴Roemer

در بهره‌برداری یا بهره‌مندی از منابع و مواهب عمومی و همگانی و فراهم بودن امکانات و فرصت‌های برابر برای همه و برخورداری یکسان از مزیت‌ها و نامزیت‌ها تأکید کرده بودند.

جیمز بوکانان^۱ از مشهورترین نظریه‌پردازان دوران معاصر نیز به لحاظ نظری از جهت اهمیت زیادی که به اعمال انفرادی و نقش محدود دخالت دولت قائل است به رویکرد نوزیک نزدیک است و از جهت دیگر، از نظر توجه به قراردادگرایی به رالز نزدیک و از نوزیک فاصله می‌گیرد. وی ۴ متغیر شانس، تلاش، انتخاب و تولد را به‌عنوان متغیرهای اصلی در تعیین درآمد و موقعیت اقتصادی مطرح می‌کند. به نظر او در خصوص متغیر تلاش اختلاف نظر کمی وجود داشته و عامل تولد تنها منبع نابرابری می‌باشد (Buchanan, 1986, pp. 129-130).

۲-۱. مبانی نظری عدالت در اسلام و از منظر متفکران مسلمان

موضوع عدل و عدالت یکی از مباحث مهم دین مقدس اسلام نیز است و مهم‌ترین منبع آن قرآن، نهج‌البلاغه و سنت است. قرآن کریم تأکید بسیاری بر عدالت دارد و از آن به‌عنوان هدف بعثت نبی مکرم اسلام (صلی‌الله‌علیه‌وآله‌وسلم) نام می‌برد. بدین‌روی مبحث عدالت در میان علمای اسلام بر مبنای قرآن و سنت بنا شده است. نظام اقتصادی اسلام از این ویژگی مهم برخوردار است که احکام و مقررات آن و ازجمله قوانین اقتصادی بر پایه عدالت استوار است که در اصول و مبانی دین اسلام ریشه دارد. حضرت علی (علیه‌السلام) بر این نکته تأکید ورزیده‌اند که اگر مسلمانان به اصل عدالت وفادار باشند و آن را در جامعه رعایت کنند، مشکل فقر و بیچارگی مردم از میان می‌رود و همه به آسایش و رفاه دست می‌یابند. امام علی (علیه‌السلام) در تعریف عدل اشاره دارند: «عدل آنست که هر چیز را در جای خود قرار دهند» (Nahj al-Balagha, Wisdom 437). همچنین امام کاظم (علیه‌السلام) می‌فرمایند: «اگر میان مردم عدالت اجرا می‌شد، بی‌نیاز می‌شدند».

در فلسفه فارابی این عدالت است که جزء ویژگی‌های مدینه فاضله است. وی معتقد است که سعادت، یک کل است که هر یک از اجزای جامعه مدنی صاحب سهمی مساوی از آن هستند. فارابی عدالت را در سه حوزه اجتماع، تکوین و فرد

^۱ Fleurbaey

^۲ Buchanan

بررسی می‌کند و در هر سه به اعتدال توجه می‌کند. به گونه‌ای که در تکوین، به معنای اعطای بهره وجودی به موجودات، متناسب با اهلیت آنها، از سوی خداوند و در اجتماع به معنای توزیع خیرات مشترک بر اساس شایستگی افراد و در اخلاق به معنای رعایت اعتدال و حد وسط نظر دارد. وی با تأثیرپذیری از افلاطون و ارسطو تأثیر عدالت را در دستیابی به سعادت پذیرفته و نشان می‌دهد که عدالت، شرط لازم برای سعادت است ولی شرط کافی نیست. ابن مسکویه عدل را قرار دادن هر چیز به جای خویش و اعطای هر حق به صاحب آن حق می‌داند. وی عدل را در مقابل ظلم قرار می‌دهد. به نظر وی اگر ظلم، استثمار دیگری می‌باشد، عدل حالتی خواهد بود که درجه استثمار دیگری به صفر برسد. خواجه نصیرالدین طوسی هم معتقد است که استقرار عدالت قلب اقتصاد است و سایر مسائل اقتصادی اندام و اعضای فرعی می‌باشند؛ بنابراین اگر در یک جامعه استثمار انسان از انسان به هر شکل آن وجود داشته باشد، اقتصاد آن جامعه به بیماری قلب مبتلا است و اگر این استثمار شدت یابد قلب اقتصاد متوقف خواهد شد و اقتصاد و جامعه از پای در خواهد آمد (Tovanan Fard, 2010).

به نظر اسعد دوانی عدالت اقتصادی باید در سه زمینه تولید، توزیع و کیفر مراعات شود. در مورد عدالت در تولید، دوانی به تفاوت بین کالا و خدمت توجه داشته و معتقد بوده است که باید بین کار انجام شده برای تولید کالا و دستمزد آن و همچنین بین کار انجام شده برای تولید خدمت و دستمزد آن رابطه مستقیم برقرار باشد. از نظر شهید مطهری هم عدالت برداشت عالمانه از دین بوده و عدالت مورد تأکید ایشان، ناشی از درد دین می‌باشد؛ لذا او ناهنجاری‌های اجتماعی، آشفتگی روحی و جنایات اخلاقی و حتی عقده‌ها و جنایات را از عدم عدالت در جامعه دانسته و مانند فیلسوفانی همچون ارسطو و افلاطون که در فلسفه سیاسی خود در پی بهترین و عادلانه‌ترین نظام حکومت بودند، ایشان نیز به پیروی از اندیشه و عمل حضرت علی (علیه‌السلام)، عدالت را مبنای سیاست و فلسفه اجتماعی اسلام دانسته و آن را ناموس بزرگ اسلام تلقی می‌کند (Jamshidi, 2013).

۳-۱. مبانی نظری عدالت از منظر رهبری و سیاست‌های کلی اقتصاد مقاومتی

نظر به اینکه از جمله مبانی نظری انقلاب اسلامی برپایی عدالت بوده است، نگاه به دیدگاه رهبران انقلاب حائز اهمیت است. از نظر رهبر معظم انقلاب، اسلام مسلکی

در مسائل اقتصادی جامعه اسلامی دارد و آن مسلک را طی می‌کند. ایشان اساس سیاست کلی اقتصاد کشور را در رفاه عمومی و عدالت اقتصادی و اجتماعی می‌دانند (بیانات مقام معظم رهبری در اجتماع زائران و مجاوران حرم مطهر رضوی، ۱۳۸۷). در بیانات دیگری ایشان به مباحث نظری اکتفا نکرده و به نکات ظریفی در قلمرو استقرار عملی عدالت در عینیت جامعه اسلامی توجه کرده‌اند. به اعتقاد ایشان تحسین عدالت و عشق ورزیدن به آن و سخن گفتن فلسفی درباره آن کافی نیست بلکه همت اصلی باید معطوف به پی‌ریزی مناسبات اجتماعی - اقتصادی در عرصه‌های مختلف حیات جمعی بر مبنای عدالت باشد از نظر ایشان برترین گام در راه استقرار عدالت، رفع محرومیت از طبقات محروم و تهی‌دست و کم‌درآمد است. ایشان فقرزدایی و کاهش فاصله طبقاتی و تلاش برای برابری افراد در استفاده از امکانات و برابری در فرصت‌ها را از مقدمات اصلی عدالت اقتصادی مورد نظر اسلام می‌داند (بیانات مقام معظم رهبری در دیدار با مسئولین قوه قضاییه، ۱۳۹۰).

رهبر انقلاب در مقدمه ابلاغیه سیاست‌های کلی اقتصاد مقاومتی اشاره دارند «اگر از الگوی اقتصادی بومی و علمی برآمده از فرهنگ انقلابی و اسلامی که همان اقتصاد مقاومتی است، پیروی شود خواهیم توانست با حفظ دستاوردهای کشور در زمینه‌های مختلف و تداوم پیشرفت و تحقق آرمان‌ها و اصول قانون اساسی و سند چشم‌انداز بیست‌ساله، اقتصاد متکی به دانش و فناوری، عدالت‌بنیان، درون‌زا و برون‌گرا، پویا و پیشرو را محقق ساخته و الگویی الهام‌بخش از نظام اقتصادی اسلام را عینیت بخشیم».

در ضمن در مقدمه سیاست‌های کلی اقتصاد مقاومتی که از سوی مقام معظم رهبری ابلاغ شده، تصریح شده است: «زمینه و فرصت مناسب برای نقش‌آفرینی مردم و فعالان اقتصادی در تحقق حماسه اقتصادی فراهم شود». سپس با مذاقه در ۲۴ بند سیاست کلی اقتصاد مقاومتی و ارتباط بندها به‌صورت مستقیم و غیرمستقیم با عدالت اقتصادی ملاحظه می‌شود که در بند اول سیاست به «ارتقاء درآمد و نقش طبقات کم‌درآمد و متوسط» از طریق تأمین شرایط و فعال‌سازی کلیه امکانات و منابع مالی و سرمایه‌های انسانی و علمی کشور و توسعه کارآفرینی و به حداکثر رساندن مشارکت آحاد جامعه در فعالیت‌های اقتصادی با تسهیل و تشویق همکاری‌های جمعی تأکید شده است. در بند چهارم سیاست به «ارتقاء شاخص‌های عدالت اجتماعی» از طریق استفاده از ظرفیت هدفمندسازی یارانه‌ها اشاره شده است. در بند پنجم سیاست‌های کلی اقتصاد مقاومتی «سهام‌بری عادلانه عوامل در زنجیره تولید تا

مصرف متناسب با نقش آنها در ایجاد ارزش، به‌ویژه با افزایش سهم سرمایه انسانی» از طریق ارتقاء آموزش، مهارت، خلاقیت، کارآفرینی و تجربه آورده شده است. در بند نوزدهم به «شفاف‌سازی اقتصاد و سالم‌سازی آن» با جلوگیری از اقدام‌ها، فعالیت‌ها و زمینه‌های فسادزا در حوزه‌های پولی، تجاری، ارزی و... پرداخته شده است. همچنین در بندهای دیگری از سیاست‌های کلی اقتصاد مقاومتی همچون بند هفدهم به اصلاح نظام درآمدی دولت با افزایش سهم درآمدهای مالیاتی کشور، بند شانزدهم به صرفه‌جویی در هزینه‌های عمومی کشور و حذف هزینه‌های زاید، بند هشتم به مدیریت مصرف و اصلاح الگوی مصرف، ارتقای رقابت‌پذیری تولید و اقتصاد اشاره شده که هر کدام یک به‌صورت غیرمستقیم بر کاهش شکاف طبقاتی و توزیع عادلانه امکانات و منابع اشاره دارند و در راستای تحقق عدالت اقتصادی جامعه می‌باشند.

نظر به اینکه عدالت‌بنیانی اقتصاد در کنار درون‌زایی، برون‌گرایی، مردمی‌سازی و دانش‌بنیانی اقتصاد از جمله اهداف و رویکردهای کلیدی سیاست‌های کلی اقتصاد مقاومتی است؛ لذا در این بخش مقاله به طراحی الگوی مفهومی عدالت اقتصادی مبتنی بر مبانی و چهارچوب سیاست‌های کلی اقتصاد مقاومتی پرداخته خواهد شد. این الگوی مفهومی کمک خواهد کرد ارزیابی میزان تحقق عدالت اقتصادی صرفاً بر پایه بررسی اهداف خروجی سنجش نشود و برای ارزیابی واقع‌نگرانه تحقق عدالت اقتصادی هم به اهداف کلان و هم به میزان اجرای راهبردها (عوامل حیاتی موفقیت) پرداخته شود. در بندهای مختلف سیاست‌های کلی اقتصاد مقاومتی هم به اهداف عدالت اقتصادی اشاره شده و هم راهبردها و سیاست‌های اجرایی (طرق دستیابی به اهداف) در جهت تحقق عدالت اقتصادی و اجتماعی تأکید شده است و ضرورت دارد در ارزیابی عدالت اقتصادی از منظر اقتصاد مقاومتی، ارزیابی هر دو محور (اهداف کلان و راهبردهای کلیدی) ملاک سنجش قرار گیرند.



شکل (۱): الگوی مفهومی عدالت اقتصادی مبتنی بر مبانی سیاست‌های کلی اقتصاد مقاومتی

۲. مروری بر پیشینه پژوهش

۲-۱. مطالعات خارجی

در خصوص عدالت اقتصادی از منظر نابرابری در توزیع ثروت و درآمد مطالعات متعددی انجام گرفته است. مطالعات انجام شده توسط آفونسو و فورسری (۲۰۱۰)، نشان می‌دهند که درآمد حاصل از مالیات بر درآمد به‌عنوان یکی از مهم‌ترین ابزار سیاست‌های توزیعی و عوامل مؤثر بر توزیع درآمد به‌شمار می‌رود. همچنین نشان می‌دهند که مالیات بر درآمد اثر مثبت و فزاینده‌ای روی توزیع درآمد دارد. همچنین نتایج مطالعات مارا (۲۰۱۲)، آفونسو و فورسری (۲۰۰۹)، پارتریج (۲۰۰۸) نشان می‌دهند که رشد اقتصادی موجب افزایش نابرابری درآمد شده است. مطالعات انجام شده توسط مارا (۲۰۱۲)، لی و همکارانش (۲۰۰۲)، نشان می‌دهند که تورم و بیکاری منجر به ساختار نابرابرتر توزیع درآمد در کشورهای مختلف می‌شود. هارتنو و سوباری (۲۰۱۷) و آنتونیو و همکاران (۲۰۱۲) در مقاله‌های خود عدالت را به‌عنوان یکی از شاخص‌های مقاصد شریعت در بانک‌های اسلامی معرفی و اندازه‌گیری کرده‌اند. بانکداری اسلامی می‌بایست از اینکه تمامی مبادلات در همه فعالیت‌های تجاری بر اساس عدالت انجام گیرد اطمینان حاصل کند (Hartono & Sobari, 2017, p. 195).

دیسیلوا (۲۰۱۳) در مطالعه‌ای نابرابری مخارج شهری و روستایی سریلانکا را مورد بررسی قرار می‌دهد. نتایج تحلیل نشان می‌دهد که بخش عمده‌ای از نابرابری مربوط به تفاوت بازدهی برای مشخصات برابر است، اما نتایج مآپادو متا نشان می‌دهد که در دهک‌های پایین درآمدی نقش تفاوت در سرمایه انسانی غالب است. ماتیتا و همکاران (۲۰۰۹) در مطالعه‌ای برای کشور مالاوی نشان می‌دهند که بر اساس تجزیه اکساکا - بلیندر، ۵۹ درصد از تفاوت رفاه بین شهری و روستایی به دارایی فیزیکی و انسانی آنها مربوط است و ۴۱ درصد آن مربوط به تبعیض است، اما نتایج تجزیه مآچادو متا نشان می‌دهد که در چندک بالای درآمدی سهم هر دو جز

۱ Afonso, A. & Furceri, D.

۲ Marra (2012)

۳ Lee, J. & et al. (2000)

۴ Hartono & Sobari (2017)

۵ De Silva (2013)

۶ Matiat & et al. (2009)

نسبتا بالا است ولی در کل توزیع، اثر سرمایه انسانی بر تبعیض در تعیین تفاوت‌ها غالب است و این نشان می‌دهد که نیروی کار شهری از سطح تحصیلات بالاتری برخوردار هستند.

اسکیولار و همکاران (۲۰۰۷) نشان می‌دهند که در چین، شکاف درآمدی بین شهر و روستا وجود دارد، نتایج نشان می‌دهد بعد از کنترل متغیرهای سرمایه انسانی، موقعیت مکانی افراد عامل مهم در تعیین تفاوت درآمد است ولی تحصیلات در میان متغیرهای سرمایه انسانی، مهم‌ترین عامل در تفاوت درآمدها است.

کونگ^۱ (۲۰۰۷) نشان می‌دهد که ۶۰ درصد تفاوت دستمزد بین ساکنین شهر و مهاجرین روستایی توسط تبعیض توضیح داده می‌شود در حالی که ماچادو متا نشان می‌دهد که در چندک‌های پایین درآمدی، تبعیض عامل مهم در توضیح تفاوت دستمزد است و در چندک بالای درآمدی تفاوت در سطح سرمایه انسانی عامل مهم در تفاوت دستمزد است.

همچنین بر اساس نتایج مطالعات خارجی مهم‌ترین شاخصه‌های عدالت اقتصادی عبارت‌اند از:

جدول (۱): مهم‌ترین شاخصه‌های عدالت اقتصادی طبق نتایج مطالعات خارجی

مطالعه	شاخصه‌های عدالت اقتصادی
Schraad-Tischler & Schiller (2017)	پیشگیری از فقر، دسترسی به آموزش، ورود به بازار کار، انسجام اجتماعی و عدم تبعیض، سلامت و عدالت بین‌نسلی
Kauder & Potrafke (2015)	پیشگیری از فقر، دسترسی عادلانه به آموزش، مشارکت در بازار کار، انسجام اجتماعی و برابری، عدالت بین‌نسلی
Kornienko & Syryamkina (2015)	مالکیت عمومی در کالاهای تولیدی، برابری اجتماعی کامل مردم، توسعه همه جانبه هر فرد، جاری شدن منابع ثروت اجتماعی، کار به‌عنوان ضرورت حیاتی واجب
Enste & Wies (2013)	عدالت توزیعی، عدالت عملکردی، فرصت‌های برابر، برابری درآمدی، عدالت رویه‌ای، عدالت بین‌نسلی
Smith (2010)	نگهداری درآمد، کار سخت، انتقال ثروت، سهم‌های مساوی، نیازها و خانواده
Matita & chirwa (2009)	اختلاف دارایی فیزیکی و انسانی، تبعیض، آموزش و سطح تحصیلات

^۱Secular & et al. (2007)

^۲Quheng (2007)

مطالعه	شاخصه‌های عدالت اقتصادی
Quheng (2007)	اختلاف و شکاف دستمزد، تفاوت سطح تحصیلات
Antrhaltr (2005)	آموزش و رشد استعدادها
—	تورم و بیکاری
Kluegel & Mateju (1995)	برابری فرصت‌ها، دریافت نیازها، پاداش بر اساس کارایی، پاداش بر اساس توانایی
Atkinson (1970), Allingham (1972), Kakvani (1975), Berokman (1985)	شاخص‌های نابرابری
Sen (1976), Takayama (1979), Clark & Ulph (1981), Thorbecke; Foster & Greer (1984), Atkinson (1987)	شاخص‌های فقر

منبع: (گردآوری پژوهش)

۲-۲. مطالعات داخلی

عزتی (۱۴۰۰) در مقاله‌ای تحت عنوان تحلیل مؤلفه‌های عدالت اقتصادی ایران، ابتدا مفهوم عدالت را از منظر علمی و اندیشمندان و سپس با توجه به ساختار کشور ایران از منظر قانون کشور و شرایط ایران از حیث مؤلفه‌هایی نظیر عدم تبعیض، تساوی در استحقاق‌ها، امکان دستیابی به فرصت‌ها و عدالت در مفهوم خود مورد تحلیل قرار داده است.

آل سید غفور و همکارش (۱۴۰۰) در مقاله‌ای تحت عنوان «اهمیت عنصر برابری فرصت‌ها در سند الگوی اسلامی ایرانی پیشرفت»، بیان می‌کند که مؤلفه برابری فرصت‌ها می‌تواند به‌عنوان یکی از شاخص‌های قابل تأمل در ارتباط با اجرای عدالت اسلامی مطرح گردد. وی به این نتیجه می‌رسد که رابطه مستقیمی بین برابری فرصت‌ها و عدالت اسلامی وجود دارد و با پی‌ریزی فرصت‌های برابر در تمام عرصه‌های سیاسی فرهنگی و اقتصادی می‌توان زمینه‌های گسترش عدالت اسلامی را در جامعه فراهم آورد.

شاگری (۱۳۹۸) در مقاله‌ای تحت عنوان سنجش شاخص ترکیبی عدالت اقتصادی با رویکردی اسلامی در ایران (۱۳۷۳-۱۳۹۶) نشان می‌دهد که توزیع منصفانه منابع فرصت‌ها و امکانات بر اساس شایستگی‌ها، توجه به حق منابع و عوامل تولید، توجه به حق نسل‌های آینده، سهم‌بری عوامل تولید بر اساس استحقاق‌ها و میزان مشارکت، بازتوزیع درآمد و ثروت، توجه به بهبود وضعیت رفاه جامعه، از

مهم‌ترین مؤلفه‌های شاخص ترکیبی عدالت اقتصادی با رویکردی اسلامی هستند. همچنین رابطه مثبت میان شاخص فیزیکی کیفیت زندگی، میزان بهره‌مندی از امکانات رفاهی، میزان بهره‌وری کل عوامل تولید، شاخص رفاه آمارتیا سن، نسبت سهم جبران خدمات کارکنان در حساب‌های ملی به تولید ناخالص داخلی و سنجه نسبت سرمایه‌گذاری در بخش تأسیسات وجود داشته و درمقابل رابطه منفی شاخص فوستر، گریر و توریک با روند عدالت اقتصادی برقرار می‌باشد. در نهایت شاخص ترکیبی عدالت اقتصادی با رویکردی اسلامی در ایران از سال ۱۳۷۳ تا ۱۳۹۶ روند صعودی داشته است.

رجایی (۱۳۹۸) در مقاله‌ای با عنوان «معیارهای عدالت اقتصادی»، بر پایه معنای تساوی معیار برابری فرصت‌ها به‌ویژه در ثروت‌های اولیه و خدمات دولت، بر مبنای مفهوم حدوسط، معیار اعتدال، بر اساس مفهوم استحقاق در قلمرو توزیع سهم عوامل تولید معیار استحقاق سهمی، در قلمرو توزیع مجدد بر پایه حق نیاز معیار استحقاق حدکفافی و در قلمرو نفقه عیال معیار استحقاق عرفی و سرانجام در عدم تفاوت فاحش طبقات درآمدی معیار توازن در سطح زندگی، درآمد و ثروت را به‌عنوان معیارهای عدالت معرفی کرده است.

رضایی (۱۳۹۸) در مقاله‌ای تحت عنوان ارزیابی راهکارهای دستیابی به عدالت اقتصادی با رویکرد پویایی سیستمی نشان می‌دهد که برای کاهش شکاف طبقاتی، دولت علاوه بر ارائه خدمات اجتماعی متناسب با دهک‌های درآمدی به‌منظور تأمین نیازهای اساسی، با اصلاح ساختار مالیاتی و شفاف‌سازی جریان درآمدی، می‌تواند عدالت را پیاده کند. نتایج مدل نشان می‌دهد که بهبود فضای کسب‌وکار به‌واسطه کاهش نرخ بیکاری می‌تواند نقش مهمی در کاهش شکاف طبقاتی و دستیابی به عدالت اقتصادی داشته باشد.

سید نورانی و خاندوزی (۱۳۹۵) در مقاله «معرفی و محاسبه شاخص ترکیبی عدالت اقتصادی از منظر اسلامی در ایران» عدالت را صرفاً از جنبه اقتصادی آن، با عناصر حق مالکیت مشروع (موارد نقض مالکیت)، حق مبادله مشروع (عدم تعهد به قراردادهای مبادلاتی)، حق سهم‌بری عادلانه از تولید (نسبت دستمزد سرانه به بهره‌وری نیروی کار)، حق نیازمندان در اموال عمومی و خصوصی (به‌عنوان نماگر درصد جمعیت زیر خط فقر)، حق دسترسی عموم به منابع عمومی (اختلاف بودجه عمرانی سرانه در استان‌ها)، حق نسل‌های آتی از منابع بین‌نسلی (سهم صادرات خام‌فروشی منابع طبیعی از کل

صادرات) و حق استفاده بهینه از اموال (به‌عنوان نماگر سطح بهره‌وری کل عوامل تولید) بررسی کرده‌اند.

عزتی (۱۳۹۳) در مقاله‌ای با عنوان «تدوین شاخص ترکیبی عدالت برپایه قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران و سنجش آن طی یک دوره هشت‌ساله»، برای سنجش شاخص عدالت اقتصادی، زیرشاخص‌های نرخ بیکاری، تبعیض بین منطقه‌ای، تورم و آزادی اقتصادی، برای سنجش شاخص عدالت اجتماعی، زیرشاخص‌های آموزش، تبعیض جنسیتی، بیمه و سازمان‌های حمایتی، فقر انسانی و خانوارهای تک‌نفره و برای اندازه‌گیری عدالت حکمرانی زیرشاخص‌های کنترل فساد، امنیت اقتصادی، شمار جرم، نظام حقوقی و حق مالکیت، نقش قانون و کیفیت مقررات را معرفی کرده است.

رجایی (۱۳۹۲) در مقاله خود تحت عنوان مفهوم و شاخص عدالت اقتصادی، شاخص نسبت خانواده‌های در محدوده کفاف به کل خانواده‌ها و شاخص‌های نسبت سرپرستان خانواده دارای اشتغال با درآمد مکفی به کل سرپرستان و شاخص نسبت انفاقات به ظرفیت انفاق جامعه را به‌عنوان شاخص‌های عدالت به معنای توازن معرفی کرده است.

بر اساس نتایج مطالعات تجربی مهم‌ترین شاخصه‌های عدالت اقتصادی عبارت‌اند از:

جدول (۲): مهم‌ترین شاخصه‌های عدالت اقتصادی طبق نتایج مطالعات تجربی

مطالعه	شاخصه‌های عدالت اقتصادی
Rajaei (2012)	(۱) شاخص نسبت خانواده‌های در محدوده کفاف به کل خانواده‌ها (۲) شاخص‌های نسبت سرپرستان خانواده دارای اشتغال با درآمد مکفی به کل سرپرستان (۳) شاخص نسبت انفاقات به ظرفیت انفاق جامعه
Ezzati (2013)	(۱) نرخ بیکاری (۲) تبعیض بین منطقه‌ای (۳) تورم (۴) آزادی اقتصادی (۵) کنترل فساد
Seyed Noorani & Khandozi (2015)	(۱) حق سهم‌بری عادلانه از تولید (نسبت دستمزد سرانه به بهره‌وری نیروی کار) (۲) حق نیازمندان در اموال عمومی و خصوصی (به‌عنوان نماگر درصد جمعیت زیر خط فقر)

مطالعه	شاخصه‌های عدالت اقتصادی
	(۳) حق دسترسی عموم به منابع عمومی (اختلاف بودجه عمرانی سرانه در استان‌ها) (۴) حق نسل‌های آتی از منابع بین‌نسلی (سهام صادرات خام‌فروشی منابع طبیعی از کل صادرات) (۵) حق استفاده بهینه از اموال (به‌عنوان نماگر سطح بهره‌وری کل عوامل تولید)
Rezaei (2018)	بهبود فضای کسب‌وکار به‌واسطه کاهش نرخ بیکاری
Shakri & et al. (2018)	(۱) توزیع منصفانه منابع فرصت‌ها و امکانات بر اساس شایستگی‌ها (۲) توجه به حق منابع و عوامل تولید (۳) توجه به حق نسل‌های آینده (۴) سهم بری عوامل تولید بر اساس استحقاق‌ها و میزان مشارکت (۵) باز توزیع درآمد و ثروت (۶) توجه به بهبود وضعیت رفاه جامعه
Ezzati & et al. (2021)	(۱) عدم تبعیض (۲) تساوی در استحقاق‌ها (۳) امکان دستیابی به فرصت‌ها
Al Seyedghfoor & Taleqanizadeh (2021)	برابری فرصت‌ها به‌عنوان یکی از شاخص‌های اجرای عدالت اسلامی

منبع: (گردآوری پژوهش)

۳. تصویری از وضعیت شاخص‌های عدالت اقتصادی پس از ابلاغ

اقتصاد مقاومتی

در جدول زیر آخرین وضعیت برخی شاخص‌های عدالت اقتصادی به تصویر کشیده شده است. همان‌طور که ملاحظه می‌شود ضریب جینی از ۰,۳۶۵ سال ۱۳۹۲ به ۰,۳۹۴ سال ۱۴۰۰ افزایش یافته است. همچنین سهم ۱۰ و ۲۰ درصد ثروتمندترین به ۱۰ و ۲۰ درصد فقیرترین جمعیت در مقطع ۱۳۹۰ معادل ۱۱,۰۹ و ۶,۷۸ برابر بوده که در سال ۱۴۰۰ به ۱۳,۴۶ و ۷,۹۴ برابر افزایش داشته است. سهم هزینه ۲۰ درصد کم درآمدترین جمعیت در هزینه کل نیز سال ۱۳۹۲ معادل ۶,۷۹ درصد بوده که در سال‌های ۱۳۹۹ و ۱۴۰۰ به ترتیب به ۵,۸۳ و ۵,۸۸ درصد کاهش یافته است. بالعکس سهم ۲۰ درصد پردرآمدترین جمعیت در هزینه کل از ۴۴,۹۸ درصد سال ۱۳۹۰ به ۴۷,۴۴ و ۴۶,۷ درصد در سال‌های ۱۳۹۹ و ۱۴۰۰ افزایش داشته است. لذا

شاخص‌های کلیدی عدالت اقتصادی حکایت از بدتر شدن وضعیت طی دهه ۹۰ است.

جدول (۳): وضعیت شاخص‌های عدالت اقتصادی طی سال‌های ۱۳۹۰-۱۴۰۰

سال	۱۳۹۰	۱۳۹۱	۱۳۹۲	۱۳۹۳	۱۳۹۴	۱۳۹۵	۱۳۹۶	۱۳۹۷	۱۳۹۸	۱۳۹۹	۱۴۰۰
ضریب جینی	۰,۳۷	۰,۳۶۶	۰,۳۶۵	۰,۳۷۹	۰,۳۸۵	۰,۳۹	۰,۳۹۸	۰,۴۰۹	۰,۳۹۹	۰,۴	۰,۳۹۴
سهم هزینه بیست درصد کم درآمدترین جمعیت در هزینه کل	۶,۶۳	۶,۷	۶,۷۹	۶,۲۹	۶,۲۷	۶,۱۳	۵,۹۱	۵,۸	۵,۹۶	۵,۸۳	۵,۸۸
سهم هزینه ده درصد پردرآمدترین به ده درصد کم درآمدترین جمعیت	۱۱۰,۹	۱۰,۷۹	۱۰,۶۸	۱۲,۳۳	۱۲,۶۵	۱۲,۹۹	۱۳,۶۵	۱۴,۴۵	۱۳,۶۹	۱۳,۹۶	۱۳,۴۶
سهم هزینه ۲۰ درصد پردرآمدترین به ۲۰ درصد کم درآمدترین جمعیت	۶,۷۸	۶,۶۵	۶,۵۷	۷,۲۶	۷,۴	۷,۶۱	۸	۸,۳۶	۷,۹۷	۸,۱۳	۷,۹۴
سهم هزینه بیست درصد پردرآمدترین جمعیت در هزینه کل	۴۴,۹۸	۴۴,۵۶	۴۴,۶۲	۴۵,۶۵	۴۵,۲۲	۴۶,۶۷	۴۷,۳	۴۸,۵	۴۷,۴۹	۴۷,۴۴	۴۶,۷

۴. ارزیابی راهبردی تحقق عدالت اقتصادی در چهارچوب مبانی سیاست‌های کلی اقتصاد مقاومتی

در این بخش از مقاله، بر اساس الگوی مفهومی تصویرسازی شده در فصول قبل و برپایه الگوی ارزیابی زیر که مبتنی بر سه مبحث اهداف کلان، راهبردها و سیاست‌های اجرایی (عوامل حیاتی موفقیت (CSF)) و شاخص‌های کلیدی عملکردی (KPI) است، تلاش خواهد شد ارزیابی راهبردی از تحقق عدالت اقتصادی

۱ Objectives

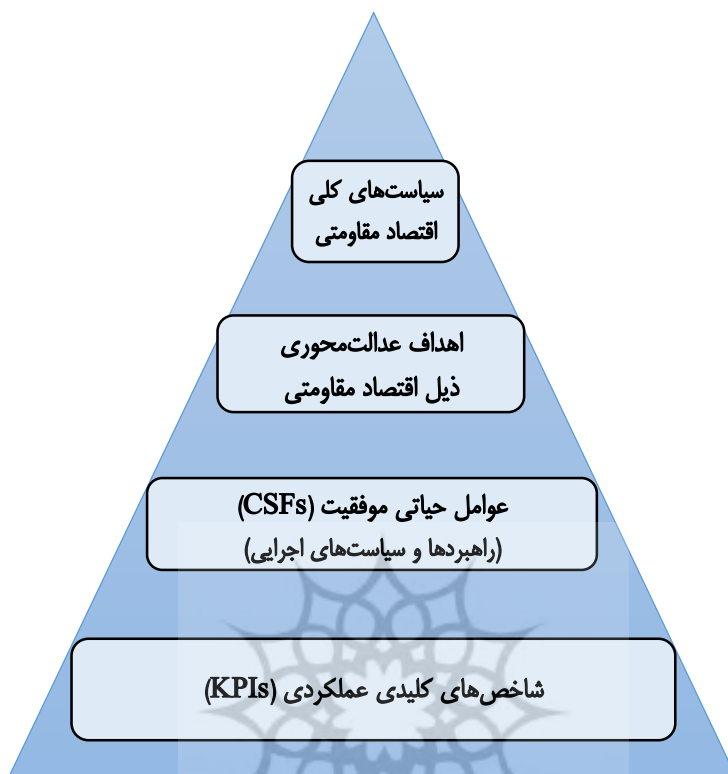
۲ Critical success factor

۳ Key Performance indicator

در چهارچوب سیاست‌های کلی اقتصاد مقاومتی عمل آید.



پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی
پرتال جامع علوم انسانی



شکل (۲)

به منظور کسب نظرهای صاحب نظران از اهداف، عوامل حیاتی موفقیت و شاخص‌های کلیدی عملکردی ارزیابی راهبردی از عدالت محوری اقتصاد در چارچوب سیاست‌های کلی اقتصاد مقاومتی، ابتدا پرسشنامه‌ای طراحی شد. جامعه آماری مورد مطالعه این تحقیق شامل خبرگان مجمع تشخیص مصلحت نظام و مرکز پژوهش‌های مجلس و نیز اساتید اقتصاد متخصص و صاحب نظر در موضوع عدالت و سیاست‌های کلی اقتصاد مقاومتی بودند. با استفاده از فرمول کوکران حجم نمونه ۵۹ نفر برآورد شد (جامعه ۷۰ نفری). در ضمن پس از تهیه پرسشنامه و قبل از اینکه به صورت نهایی اجرا شود، سؤالات طراحی شده به چند نفر از صاحب نظران مطلع داده شد تا اساتید متخصص نظر خود را در مورد روایی ابزار اندازه‌گیری اعلام نمایند و در نهایت پرسشنامه نهایی تهیه و نسبت به توزیع آن اقدام گردید. در این پژوهش به منظور سنجش پایایی مربوط، ۱۰ پرسشنامه در میان نمونه آماری توزیع و ضریب الفای کرونباخ مورد محاسبه قرار گرفت. با توجه به میزان آلفای به دست آمده (۰,۹۱۶)، نتیجه گرفته شد که پرسشنامه طراحی شده قابل قبول بوده و از پایایی و روایی بالایی برخوردار می‌باشد.

شایان ذکر است طبق نظرات صاحب نظران، شاخص‌های ناظر بر تحقق اهداف کلان و نیز شاخص‌های کلیدی عملکردی متنوع و متعددی معرفی شدند، با این حال محدودیت‌های آماری و نبود اطلاعات پیوسته و مستندل موجب شد به شاخص‌هایی بسنده گردد که آمارهای رسمی در خصوص آنها منتشر می‌شود؛ لذا محدودیت آمار و اطلاعات برای تعدادی از اهداف و شاخص‌های کلیدی عملکردی در دوره ۹۹-۱۳۹۲ وجود دارد.

۴-۱. شاخص‌های ناظر بر تحقق اهداف عدالت‌بنیانی در چهارچوب اقتصاد مقاومتی

در سیاست‌های کلی اقتصاد مقاومتی، در بندهای اول، چهارم، پنجم و نوزدهم به نحوی به عدالت‌بنیانی اقتصاد پرداخته و اهداف مرتبط ذکر شده است. در سیاست اول به ارتقاء درآمد و نقش طبقات کم‌درآمد و متوسط، در سیاست چهارم به ارتقاء شاخص‌های عدالت اجتماعی، در سیاست پنجم به سهم‌بری عادلانه عوامل در زنجیره تولید تا مصرف و در سیاست نوزدهم به ریشه‌کنی و جلوگیری از فساد اشاره شده است. شاخص‌های جدول (۲) بیانگر روند اهداف عدالت‌بنیانی از تاریخ ابلاغ سیاست‌های کلی اقتصاد مقاومتی تا سال ۱۳۹۹ است. روند این شاخص‌ها حکایت از

تضعیف عدالت‌بنیانی اقتصاد طی دوره ۱۳۹۲ تا ۱۳۹۹ است. ضریب جینی در سال ۱۳۹۲ (سال ابلاغ سیاست‌ها) معادل ۰,۳۶۵ بوده که روندی صعودی طی کرده و به ۰,۴ در سال ۱۳۹۹ رسیده است. سهم هزینه ۱۰ و ۲۰ درصد پردرآمدترین به کم‌درآمدترین جمعیت نیز روندی افزایشی داشته و به ترتیب به ۱۳,۹۶ و ۸,۱۳ درصد افزایش یافته است.

یکی دیگر از عواملی که به تشدید نابرابری و تضعیف عدالت اقتصادی و اجتماعی می‌انجامد، گسترش فساد و رانت در اقتصاد است. در واقع تشدید فساد و رانت در اقتصاد موجب می‌گردد منافع فردی و گروهی بدون شایسته‌سالاری و عدم طی فرایند قانونی تأمین گردد و فرد (یا گروه) بدون هیچ‌گونه تلاش و زحمت صاحب منافع کلان شده و حقوق جامعه را پایمال نماید. درضمن همان‌طور که در تبیین عدالت‌بنیانی اقتصاد ذیل نظریه و الگوی اقتصاد مقاومتی بدان اشاره شد، شفاف‌سازی اقتصاد و سالم‌سازی آن و جلوگیری از اقدام‌ها، فعالیت‌ها و زمینه‌های فسادزا جزو ارکان اصلی است که در بند نوزدهم سیاست‌های کلی اقتصاد مقاومتی به‌صراحت بدان اشاره شده است. برای این‌منظور روند شاخص ادراک فساد به‌عنوان شاخصی که نمایانگر وضعیت کنترل فساد است، آورده شده است. روند شاخص ادراک فساد که توسط سازمان جهانی شفافیت منتشر می‌گردد حکایت از تنزل و تضعیف جایگاه ایران در کنترل و مبارزه با فساد دارد به‌طوری‌که رتبه ۱۳۰ سال ۱۳۹۴ به ۱۴۹ در سال ۱۳۹۹ تنزل یافته است. انتظار می‌رود با تشدید روند ادراک فساد و متعاقب آن فساد اقتصادی روند توزیع ناعادلانه ثروت در اقتصاد نیز تشدید گردد. فساد اقتصادی در قالب رشوه و اختلاس موجبات تمرکز ثروت در دست عده قلیل را فراهم می‌سازد و انحراف منابع را افزایش داده و عدالت اقتصادی را خدشه‌دار می‌سازد.

جدول (۴): نتایج ارزیابی اهداف عدالت‌بنیانی در چهارچوب اقتصاد مقاومتی

سال	۱۳۹۲	۱۳۹۳	۱۳۹۴	۱۳۹۵	۱۳۹۶	۱۳۹۷	۱۳۹۸	۱۳۹۹
ضریب جینی	۰,۳۶۵	۰,۳۷۹	۰,۳۸۵	۰,۳۹	۰,۳۹۸	۰,۴۰۹	۰,۳۹۹	۰,۴
سهم هزینه بیست درصد کم‌درآمدترین جمعیت در هزینه کل	۶,۷۹	۶,۲۹	۶,۲۷	۶,۱۳	۵,۹۱	۵,۸	۵,۹۶	-
سهم هزینه ده درصد پردرآمدترین به ده درصد کم‌درآمدترین جمعیت	۱۰,۶۸	۱۲,۳۳	۱۲,۶۵	۱۲,۹۹	۱۳,۶۵	۱۴,۴۵	۱۳,۶۹	۱۳,۹۶
سهم هزینه ۲۰ درصد	۶,۵۷	۷,۲۶	۷,۴	۷,۶۱	۸	۸,۳۶	۷,۹۷	۸,۱۳

سال	۱۳۹۲	۱۳۹۳	۱۳۹۴	۱۳۹۵	۱۳۹۶	۱۳۹۷	۱۳۹۸	۱۳۹۹
پردرآمدترین به ۲۰ درصد کم‌درآمدترین جمعیت								
سهام هزینه بیست درصد پردرآمدترین جمعیت در هزینه کل	۴۴,۶۲	۴۵,۶۵	۴۵,۲۲	۴۶,۶۷	۴۷,۳	۴۸,۵	۴۷,۴۹	-
شاخص ادراک فساد (رتبه ایران در جهان)	۱۴۴	۱۳۶	۱۳۰	۱۳۱	۱۳۰	۱۳۸	۱۴۶	۱۴۹

۲-۴. شاخص‌های کلیدی عملکردی تحقق عدالت‌بنیانی در چهارچوب اقتصاد مقاومتی (ارزیابی راهبردها و عوامل حیاتی موفقیت)

در چهار بند سیاست‌های کلی اقتصاد مقاومتی برای تحقق عدالت‌بنیانی اقتصاد و اهداف مترتب بر آن، راهبردها و سیاست‌های اجرایی آورده شده است. تقویت رقابت‌پذیری اقتصاد ملی، حاکمیت قانون، بهبود فضای کسب‌وکار، توسعه کارآفرینی و مهارت‌آفرینی، به حداکثر رساندن مشارکت آحاد جامعه در فعالیت‌های اقتصادی با تسهیل و تشویق همکاری‌های جمعی، ارتقای سهم سرمایه انسانی در زنجیره تولیدی کشور، اصلاح نظام یارانه‌ای کشور، توسعه بخش تعاون و تقویت کسب‌وکارهای کوچک و متوسط از جمله راهبردهای کلیدی (عوامل حیاتی موفقیت) می‌باشند که در سیاست‌ها بدان اشاره شده است. به‌منظور ارزیابی میزان اجرای این راهبردها و عوامل حیاتی موفقیت، شاخص‌های کلیدی عملکردی در جدول شماره (۳) آورده شده است.

طبق نتایج جدول زیر روند رقابت‌پذیری اقتصاد طی سال‌های اخیر تضعیف شده است و از رتبه ۶۶ سال ۱۳۹۲ به رتبه ۹۹ در سال ۱۳۹۹ تنزل یافته است. بدیهی است تضعیف رقابت‌پذیری اقتصاد موجبات انحصارگرایی را فراهم ساخته و ضمن تشدید فساد و رانت در اقتصاد، به کاهش شایسته‌سالاری و نوآوری در اقتصاد می‌انجامد. از این‌رو تضعیف رقابت‌پذیری اقتصاد ایران از جایگاه ۶۶ جهان به ۹۹ جهان کاهش شاخص‌های عدالت‌بنیانی اقتصاد را در پی دارد.

قانون‌گرایی و حاکمیت قانون یکی دیگر از مصادیق تحقق عدالت در اقتصاد است. شاخص حاکمیت قانون که توسط بانک جهانی منتشر می‌شود، کشورها را در دامنه بین (۲/۵، -۲/۵) رتبه‌بندی می‌کند به طوری که چنانچه کشوری به عدد ۲/۵- نزدیک شود به منزله تشدید قانون‌گریزی است. بالعکس چنانچه کشوری به کرانه

بالای محدوده یعنی ۲/۵ نزدیک باشد، به‌منزله بهبود قانون‌گرایی در کشور است. همان‌طور که در جدول شماره (۳) مشاهده می‌شود در همه سال‌های دهه ۹۰ شاخص حاکمیت قانون منفی بوده و در سال ۱۳۹۲ معادل ۱/۲- و در سال ۱۳۹۹ معادل ۰/۸۷- بوده است؛ لذا طبق آمار بهبودی در روند حاکمیت قانون کشور مشاهده نمی‌شود و همچنان شاخص بین ۰/۶۸- و ۱/۲- نوسان دارد. همچنین نتایج گزارش سازمان طرح عدالت جهانی از اندازه‌گیری شاخص حاکمیت قانون در سال ۲۰۲۱ برای ۱۳۹ کشور جهان نشان می‌دهد کشورهای دانمارک، نروژ و فنلاند در رتبه‌های اول تا سوم قرار دارند. جایگاه ایران هم بدون تغییر نسبت به سال ۲۰۲۰ بوده و از بین ۱۳۹ کشور جهان در رتبه ۱۱۹ ام قرار دارد. در ضمن رتبه ایران در میان ۸ کشور مستقر در منطقه خاورمیانه و شمال آفریقا مورد بررسی در این گزارش نیز ۷ است که حکایت از جایگاه نامناسب کشور در شاخص حاکمیت قانون و قانون‌گرایی است. بدیهی است در اقتصادی که حاکمیت قانون پایین باشد و گریز از قانون رخ دهد پایه‌های اولیه تحقق عدالت خدشه‌دار خواهد شد و تخطی از قانون به عدم شفافیت و عدم پاسخگویی مسئولان و در نتیجه تشدید مفاسد اقتصادی و انحراف شدید توزیع منابع و تمرکز ناعادلانه ثروت در دست گروه اندک منجر خواهد شد.

روند تسهیل کسب‌وکار بهبودی نداشته و جایگاه ایران بین ۱۹۰ کشور رتبه ۱۲۷ ام است. علی‌رغم بهبود شاخص توسعه کارآفرینی، نرخ بیکاری دانش‌آموختگان روندی کاهنده نداشته و شاخص مهارت‌آموزی تقویت نشده است. سهم سرمایه‌گذاری و اشتغال صنایع کوچک و متوسط بهبودی نداشته است. شاهد توسعه نقش و سهم بخش تعاون در اقتصاد نمی‌باشیم و شواهدی از اصلاح نظام یارانه‌ای کشور در جهت اشتغال‌زایی و ارتقای شاخص‌های عدالت اجتماعی دیده نمی‌شود؛ لذا نتایج ارزیابی شاخص‌های کلیدی عملکردی متناسب با راهبردها و عوامل حیاتی موفقیت عدالت‌بنیانی که خواسته سیاست‌های کلی اقتصاد مقاومتی است، حکایت از این دارد که راهبردها و سیاست‌های اجرایی مدنظر یا اتخاذ نشده یا اینکه اجرای موفقیت‌آمیز نداشته است.

جدول (۵): نتایج ارزیابی شاخص‌های کلیدی عملکردی عدالت‌بنیانی در چهارچوب اقتصاد مقاومتی

سال	۱۳۹۲	۱۳۹۳	۱۳۹۴	۱۳۹۵	۱۳۹۶	۱۳۹۷	۱۳۹۸	۱۳۹۹
شاخص رقابت‌پذیری اقتصاد	۶۶	۸۲	۸۳	۷۴	۸۸	۸۹	۹۹	۹۹
شاخص حاکمیت قانون (۵.۲- -۲.۵)	-۱.۲	-۱	-۱.۰۶	-۰.۹۲	-۰.۶۸	-۰.۶۹	-۰.۷۵	-۰.۸۷
شاخص کسب‌وکار	۱۵۲	۱۱۹	۱۱۷	۱۲۰	۱۲۴	۱۲۸	۱۲۷	۱۲۷
شاخص توسعه کارآفرینی	۹۱	۹۰	۹۴	۸۰	۸۵	۷۲	۶۴	۶۴
نرخ مشارکت اقتصادی	۳۷.۶	۳۷.۲	۳۸.۲	۳۹.۴	۴۰.۳	۴۰.۵	۴۴.۱	۴۳.۷
نرخ بیکاری دانش‌آموختگان	۱۸.۸	۱۸.۵	۱۸.۳	۲۰	۱۹.۱	۱۸.۱	۱۶.۷	۱۷.۸
شاخص مهارت‌آموزی (دانش‌آموزان فنی و حرفه‌ای، کار و دانش از کل دانش‌آموزان)	۳۶.۹	۳۸.۸	۳۷.۸	۳۵.۳	۳۴.۸	۳۴.۶	۳۵	۳۵.۲
سهم عامل نیروی کار در رشد اقتصادی	۱.۲	-۰.۱	۱.۲	۱.۱	۱.۳	۰.۷	۰.۹	۰.۸
سهم اشتغال صنایع کوچک و متوسط از کل اشتغال صنعتی	۲۹.۸	۲۸.۲	۲۶.۷	۳۱.۳	۳۲.۸	۲۸.۹	۲۷.۹	۲۷.۳
ارتقای عدالت حاصل از اجرای یارانه‌ها	اقدام قابل توجه در راستای اصلاح نظام یارانه‌های کشور درجهت ارتقای عدالت اجتماعی صورت گرفته است.							
سهم بخش تعاون در اقتصاد	سازمان برنامه و بودجه در سند توسعه برنامه ششم، سهم بخش تعاونی در پایان سال ۱۳۹۳ را ۶ درصد برآورد نموده است. مرکز پژوهش‌های مجلس نیز در سال ۱۳۹۵ سهم بخش تعاون را ۸/۳ درصد برآورد کرد. همچنین گزارش کمیسیون اصل ۴۴ مجلس شورای اسلامی حاکی از آن است که سهم بخش تعاون در تولید ناخالص داخلی کمتر از ۵ درصد است و اختلاف فاحش با هدف ترسیم شده ۲۵ درصدی وجود دارد. با این وجود تا زمانی که مرکز آمار ایران سهم بخش تعاون در اقتصاد ملی را در حساب‌های ملی منظور نکند، کماکان با مشکل تحلیل آماری در بخش تعاونی روبرو هستیم.							

نتیجه‌گیری

یکی از اهداف کلیدی در سیاست‌های کلی اقتصاد مقاومتی، عدالت‌بنیانی اقتصاد است به طوری که در سیاست‌های اول، چهارم، پنجم و نوزدهم اقتصاد مقاومتی به صورت صریح به اهداف، راهبردها و سیاست‌های اجرایی تحقق عدالت اشاره شده است. هدف مقاله حاضر طراحی الگوی مفهومی عدالت‌اقتصادی بر پایه مبانی سیاست‌های اقتصاد مقاومتی و ارزیابی راهبردی میزان تحقق عدالت در چهارچوب سیاست‌های کلی مزبور بود. براین اساس مبانی و رویکردهای نظری عدالت اقتصادی، همچنین مطالعات داخلی و خارجی مرور شدند. سپس مبتنی بر الگوی مفهومی طراحی شده، ارزیابی راهبردی تحقق عدالت اقتصادی مبتنی بر اهداف کلان، راهبردها و سیاست‌های اجرایی (عوامل حیاتی موفقیت) و شاخص‌های کلیدی عملکردی صورت گرفت.

نتایج حاصله نشان می‌دهند:

۱- اهداف عدالت بنیانی در سیاست‌های کلی اقتصاد مقاومتی محقق نشده است:

به طوری که ضریب جینی از ۰,۳۶۵ سال ۱۳۹۲ به نزدیک ۰,۴ سال ۱۳۹۹ افزایش یافته است. همچنین سهم ۱۰ و ۲۰ درصد ثروتمندترین به ۱۰ و ۲۰ درصد فقیرترین جمعیت در مقطع ۱۳۹۰ معادل ۱۱,۰۹ و ۶,۷۸ درصد بوده که در سال ۱۳۹۹ به ۱۳,۶۹ و ۸,۱۳ درصد افزایش داشته است. سهم هزینه ۲۰ درصد کم‌درآمدترین جمعیت در هزینه کل نیز سال ۱۳۹۲ معادل ۶,۷۹ درصد بوده که در سال‌های ۱۳۹۷ و ۱۳۹۸ به ترتیب به ۵,۸ و ۵,۹۸ درصد کاهش یافته است. بالعکس سهم ۲۰ درصد پردرآمدترین جمعیت در هزینه کل از ۴۴,۹۸ درصد سال ۱۳۹۰ به ۴۸,۵ و ۴۷,۴۹ درصد در سال‌های ۱۳۹۷ و ۱۳۹۸ افزایش داشته است. جایگاه ایران در شاخص ادراک فساد نیز بدتر شده و از رتبه ۱۴۴ سال ۱۳۹۲ به ۱۴۹ در سال ۱۳۹۹ رسیده است؛ لذا سنجش اهداف عدالت اقتصادی حکایت از بدتر شدن وضعیت طی دهه ۹۰ است.

۲- شاخص‌های کلیدی عملکردی تحقق عدالت‌بنیانی در چهارچوب اقتصاد

مقاومتی نیز حکایت از این دارد: راهبردهای مدنظر سیاست‌های کلی یا اجرا نشده یا اینکه اجرای موفقیت‌آمیز نداشته است. رقابت‌پذیری اقتصاد طی سال‌های اخیر تضعیف شده است. بهبودی در حاکمیت قانون مشاهده نمی‌شود و روند تسهیل کسب‌وکار بهبودی نداشته و جایگاه ایران بین ۱۹۰ کشور رتبه ۱۱۲۷ام است. علی‌رغم بهبود شاخص توسعه کارآفرینی، نرخ بیکاری

دانش‌آموختگان روندی کاهنده نداشته و شاخص مهارت‌آموزی تقویت نشده است. سهم سرمایه‌گذاری و اشتغال صنایع کوچک و متوسط بهبودی نداشته است. شاهد توسعه نقش و سهم بخش تعاون در اقتصاد نمی‌باشیم و شواهدی از اصلاح نظام یارانه‌ای کشور در جهت اشتغال‌زایی و ارتقای شاخص‌های عدالت اجتماعی مشاهده نمی‌گردد؛ لذا راهبردهای عدالت بنیانی مدنظر و اشاره شده در سیاست‌های کلی اقتصاد مقاومتی اجرا نشده‌اند یا اینکه در اجرا کاستی داشته و نتایج اجرای مطلوب حاصل نشده است.

۳- پیشنهادهای اجرایی: برای تحقق عدالت بنیانی اقتصاد در راستای سیاست‌های کلی اقتصاد مقاومتی پیشنهاد می‌گردد:

- سیاست‌های تقویت رقابت اقتصادی و انحصارزدایی در راستای بند (ه) سیاست‌های کلی اصل ۴۴ اجرا گردد.
- اهتمام به اجرای حکمرانی خوب در اقتصاد برپایه تقویت حاکمیت قانون، قانون‌گرایی و پاسخگویی و تقویت نهادهای نظارت بر حسن اجرای قانون در کشور.
- اقدام‌های لازم جهت سهولت کسب‌وکار ذیل قانون مربوطه با جدیت دنبال شود.
- توسعه کارآفرینی و مهارت‌افزایی در نظام آموزشی کشور محور باشد و تغییر رویه به سمت گسترش مهارت و فنون در نظام آموزشی صورت پذیرد.
- تقویت نظام تأمین مالی در جهت گسترش کسب‌وکارهای خرد و متوسط و حمایت از زنجیره ایجاد و توسعه کسب‌وکارهای کوچک و متوسط.
- برنامه‌ریزی و توسعه بخش تعاون اقتصاد و توسعه و توانمندسازی تعاونی‌های فراگیر ملی ذیل اجرای بند (ب) سیاست‌های کلی اصل ۴۴.
- اصلاح نظام یارانه‌ای کشور در جهت بهبود توزیع منابع ملی و جلوگیری از انحراف منابع.
- شفافیت اقتصادی و مبارزه جدی با فساد و اصلاحات ساختارهای فسادزای کشور در راستای بند نوزدهم سیاست‌های کلی اقتصاد مقاومتی.

ملاحظات اخلاقی

حامی مالی

این مقاله حامی مالی ندارد.

مشارکت نویسندگان

تمام نویسندگان در آماده‌سازی این مقاله مشارکت کرده‌اند.

تعارض منافع

بنابه اظهار نویسندگان، در این مقاله هیچ‌گونه تعارض منافی وجود ندارد.

تعهد کپی‌رایت

طبق تعهد نویسندگان، حق کپی‌رایت (CC) رعایت شده است.



پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی
پرتال جامع علوم انسانی

References

- Abu Nasr Mohammad Farabi (1982). *Thoughts of the people of Madinah Fazleh, translated by Seyyed Jaafar Sajjadi, Tahori Library Publications*. fifth edition. (In Persian)
- Afonso, António & Furceri, Davide (2010). Government size, composition, volatility and economic growth. *European Journal of Political Economy, Elsevier*, 26(4), 517-532.
- Akhwan Kazemi, Bahram, (2017). A comparative approach to the concept of justice in the political philosophy of Plato and Aristotle. *Journal of Legal Studies*, 10(3), 1-27. (In Persian)
- Al Seyedghfoor, Seyyed Mohsen Taleqanizadeh (2021). The importance of the element of equality of opportunities in the document of the Iranian Islamic model of progress. *Scientific and Research Quarterly*, (25), 189-215. (In Persian)
- Allingham, M. G. (1972). The measurement of inequality. *Journal of Economic Theory*, 5(1).
- Antonio, Syafii; Yulizar D. Sanrego & Muhammad Taufiq (2012). An Analysis of Islamic Banking Performance: Implementation Maqasid Index in Indonesia and Jordan. *Journal of Islamic Finance*, 1(1), 12-29.
- Atkinson, A. B. (1970). *On the measurement of inequality. Journal of Economic Theory* 2. 244-263.
- Atkinson, A. B. (1987). On the Measurement of Poverty. *Econometrica*, 55(4), 749-764.
- Ayazlou, Hossein (2009). A review of the criteria of social and economic justice and adaptation to the framework of Islamic Shari'a. *bi-quarterly journal of Islamic economic studies*, second year, number two, 5-26. (In Persian)
- Baumol, W. J (1982). *On the Principle of Utility*. in Source Readings in Economic Thought, ed.
- Buchanan M. James (1986). *Liberty, Market, and State: Political Economy in 1980's*. NY: NYU. Press, Colombia U. Press.
- Champernowne, D. G. (1952). The graduation of incom distribution. *Econometrica*, (20), 591-615.
- Clark, S. R. Hemming & D. Ulph (1981). On indices for the measurement of poverty. *Economic journal*, (91), 515-526.
- De silva, I. (2013). Endowments Versus Returns: Counterfactual Quantile Decomposition Of Urban-Rural Inequality In Sri Lanka. *Review of Urban & Regional Development Studies*, (25), 47-60.
- Dowerkin, S. C. (1989). *Modern theories of Justice*, the MIT press.
- Enste, D.H. & J. Wies (2013). International Justice Monitor 2013: A comparison of 28 countries for the years 2000 to 2012 across six justice dimensions; Köln.
- Ezzati, Mohammad Javad; Ezzati, Morteza & Mozini, Amir Hossein (2021). Analysis of the Components of Economic Justice in Iran. *Scientific Research Quarterly*, (20). (In Persian)
- Ezzati, Morteza (2013). Compilation of the composite index of justice

- based on the constitution of the Islamic Republic of Iran and its measurement over an eight-year period. *Quarterly Scientific Research Economic Strategy*, 3(10).
- Fleurbaey, F. M. (1995). *Disequilibrium and Stability; General Equilibrium: Problems and Prospects*. London: Routledge.
- Gurvitch, G. (1972). Encyclopedia of Social Sciences seligman Edwin R. A & K. Alvin Johnson (ed), (8), the Macmillan company, New York.
- Hartono, S. & Sobari, A. (2017). Sharia Maqashid Index as a Measuring Performance of Islamic Banking: A More Holistic Approach. *Corporate Ownership & Control*, 14(2), 193-201.
- Jamshidi, Mohammad Hossein (2013). Explanation of the relationship between justice and politics in the thought of Allameh Martyr Seyyed Mohammad Baqer Sadr, Scientific Quarterly of Social Theories of Muslim Thinkers, Article 7, 3(1-4), Spring and Summer 2013, 159-131. (In Persian)
- John Rawls (2004). *Justice as Justice, translated by Irfan Sabeti*. Tehran: Ghoqnos Publishing. (In Persian)
- kakwani, N. G. (1986). *Analyzing redistribution policies*. Cambridge University Press.
- Kauder, Bjorn & Niklas Potrafke (2015). Globalization and Social Justice in OECD Countries. *Review of World Economics*, (151), I2, 2015.
- Cluegel, James R. & Petr Mateju (1995). *Egalitarian vs. inegalitarian principles of distributive justice; Social Justice and Political Change: Public Opinion in Capitalist and Post-Communist States*. New York.
- Kornienko, Alla A. & Evgeniya V.Syryamkina (2015). Justice as an indicator of well-being in modern society. *Procedia-Social and Behavioral Sciences*, (166).
- Lee, J. (2002). The robustness of Okun's law: Evidence from OECD countries. *Journal of Macroeconomics*, 22(2), 331-356.
- Marra, G. (2012). Rolling regression versus time-varying coefficient modelling: an empirical investigation of the Okun's law in some Euro area countries. *Bulletin of Economic Research*, 64(1), 91-108.
- Matita, M. & chirwa, E. (2009). Rural-Urban Welfare Inequalities in Malawi: Evidence from a Decomposition Analysis. *Working paper*, No 2009/05.
- Motahari, Morteza (2006). *A Commentary on Islamic Economic System*. Tehran: Sadra Publications. (In Persian)
- Motahari, Morteza (1982). *Review of the implementation of Islamic economic principles*. Tehran: Hekmat Publications. (In Persian)
- Mukhtarian Pourmejid (2016). The process model of the design of the Iranian Islamic model of progress. *The Quarterly Journal of the Pattern of Progress*, 8(4), 9-30. (In Persian)
- Nozick, R. (1974). *The Economics of Justice*. Harvard University Press.
- Quheng, D. (2007). Earnings Differential between Urban Residents and Rural Migrants: Evidence from Oaxaca-Blinder and Quantile Regression Decompositions. *Chinese Journal of Population*

- Science*, (2), 8-16.
- Rajaei, Seyyed Mohammad Kazem (2012). The concept and index of economic justice. *Islamic Economic Knowledge Quarterly*, (1), (In Persian)
- Rawls, A. Jhon (1971). *A theory of Justice*. Cambridge Press.
- Rawls, J. (2001). *Justice as fairness: a restatement*. Sabeti, erfan, gognoos press, 1383.
- Rezaei, Hossein (2018). Evaluation of strategies to achieve economic justice with a systemic dynamic approach. *Islamic Economic Studies Quarterly*, (1), 23. (In Persian)
- Roemer, P. (1982). *Poverty and Inequality*. Back Ground Paper Prepared for the Human Development Report; New York.
- Sadr, Mohammad Baqir (1971). *Our Economy*. Volume 1, translated by Mohammad Kazem Mousavi, Tehran: Islamic Publishing House. (In Persian)
- Schraad-Tischler, Daniel & Schiller, Christof (2017). *Social Justice in the EU Index, Social Inclusion Monitor Europe*. Bertelsmann Stiftung, CarlBertelsmann-Straße 256, 33311 Gütersloh, Germany, www.bertelsmannstiftung.de.
- Scuttler, M. (1985). *Foundations of Economic Justice*. Oxford: Blackwell.
- Secular, T.; Ximing, Y.; Gustafsson, B. & Shi, L. (2007). The Urban-Rural Income Gap and Inequality in China. *The Review of income and Wealth*, (53), 93-126.
- Sen, A. K. (1976). Poverty: An ordinal approach to measurment. *Econometrica*, (44), 219-231.
- Seyed Noorani, Seyed Mohammad Reza & Khandozi, Seyed Ahsan (2015). Introducing and calculating the composite index of economic justice from the Islamic point of view in Iran. *Majlis and Strategy*, 23(85), 57-84.
- Shakri, Abbas; Momeni, Farshad; Khademizadeh, Amir & Makhzon Mousavi, Seyyhadadi (2018). Measuring the composite index of economic justice with an Islamic approach in Iran (2016-2018). *Economic Journal Quarterly*, (31), 9-40. (In Persian)
- Smith, Michael L. (2010). Perceived corruption, distributive justice, and the legitimacy of the system of social stratification in the Czech Republic. *Communist and Post-Communist Studies*, 43(4).
- Statements of the Supreme Leader in the gathering of pilgrims and nearby shrines of the holy shrine of Razavi in 2008.
- Statements of the supreme leader in the meeting with the officials of the judiciary in 2013.
- Taheri, Abulqasem (2010). *History of Western Political Thoughts*. Qams Publications. (In Persian)
- Takayama, N. (1979). Poverty, income inequality and their measures: Professor Sen, s axiomatic approach reconsidered. *Econometrica*, (47), 747-59.
- Thorbecke, Erik; Foster, James & Greer, Joel (1984). A Class of

- Decomposable Poverty Measures. *Econometrica*, 52(3).
- Tovanan Fard, Hasan (2010). *History of Islamic Economic Thoughts*. Tehran Publications. (In Persian)
- Varian, Hal R. (1974). Optimality and the Theory of Value. *Journal of Economic Theory*, 63(2).
- Zulqader, Leila (2015). *Economic justice in the distribution of wealth and income in society with a conceptual review of its indicators*. International Conference on Management and Resistance Economy. (In Persian)

